

Stop Saying “Very Good”: 3 Stronger English Words

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

excellent

عالی · بسیار خوب

DEF

Extremely good; of a very high quality.

A strong, versatile upgrade from very good.

FA

فوق‌العاده خوب؛ با کیفیتی بسیار بالا.
جایگزینی قوی و کاربردی برای very good.

Your presentation was excellent.

That is an excellent idea.

ارائه‌ات عالی بود.

این ایده‌ای عالی است.

2

impressive

چشمگیر · تأثیرگذار

DEF

Causing admiration because something is special, skilful or powerful.

Use it when the result creates a strong positive reaction.

FA

چیزی که به‌دلیل خاص، ماهرانه یا قدرتمند بودن تحسین برمی‌انگیزد.
وقتی نتیجه واکنش مثبت و قوی ایجاد می‌کند.

Her progress is impressive.

That was an impressive performance.

پیشرفت او چشمگیر است.

آن اجرایی تأثیرگذار بود.

3

outstanding

استثنایی · برجسته

DEF

Exceptionally good; clearly better than most others.

Stronger than excellent when something truly stands out.

FA

به‌طور استثنایی خوب؛ به‌وضوح بهتر از بیشتر موارد دیگر.
وقتی چیزی واقعا متمایز است، از excellent قوی‌تر است.

She did an outstanding job.

The service was outstanding.

او کاری استثنایی انجام داد.

خدمات برجسته بود.



4

without notes

بدون یادداشت

DEF

Without looking at written prompts or reminders while speaking.

Often suggests that a speaker is well prepared and confident enough to speak from memory.

FA

هنگام صحبت کردن بدون نگاه کردن به نکته‌ها یا یادآوری‌های نوشته‌شده.
اغلب نشان می‌دهد که گوینده خوب آماده شده و اعتمادبه‌نفس دارد که از حفظ صحبت کند.

She spoke for ten minutes without notes.

او ده دقیقه بدون یادداشت صحبت کرد.

He answered every question without notes.

او بدون نگاه کردن به یادداشت‌ها به همه پرسش‌ها پاسخ داد.

5

stand above the rest

از بقیه متمایز بودن • برتر از بقیه بودن

DEF

To be noticeably better or more impressive than the others in a group.

A figurative comparison used when one person, result or performance clearly distinguishes itself.

FA

به‌طور محسوسی بهتر یا تأثیرگذارتر از دیگر اعضای یک گروه بودن.
مقایسه‌ای استعاری برای فرد، نتیجه یا اجرایی که آشکارا از دیگران متمایز است.

Her performance stands above the rest.

اجرای او از بقیه متمایز است.

One candidate stood above the rest.

یک نامزد به‌وضوح از بقیه برتر بود.

6

overlap

هم‌پوشانی داشتن

DEF

To share some features, meaning, time or responsibility with something else.

The things are partly similar or shared, but they are not completely identical.

FA

در برخی ویژگی‌ها، معناها، زمان‌ها یا مسئولیت‌ها با چیز دیگری مشترک بودن.
دو چیز تا حدی شبیه یا مشترک‌اند، اما کاملاً یکسان نیستند.

The meanings of excellent and outstanding overlap.

معناهای excellent و outstanding با هم هم‌پوشانی دارند.

Our responsibilities overlap in this project.

مسئولیت‌های ما در این پروژه با هم هم‌پوشانی دارند.

7

from beginning to end

از ابتدا تا انتها

DEF

For the whole duration of something, from its first moment to its last.

Emphasises completeness or consistency throughout an entire experience or process.

FA

در تمام مدت یک اتفاق، از نخستین لحظه تا آخرین لحظه.
بر کامل بودن یا ثابت ماندن کیفیت در سراسر یک تجربه یا فرایند تأکید می‌کند.

The hotel gave us excellent service from beginning to end.

هتل از ابتدا تا انتها خدماتی عالی به ما ارائه داد.

I watched the presentation from beginning to end.

ارائه را از ابتدا تا انتها تماشا کردم.



8

get carried away

جوگیر شدن • از حد گذراندن

DEF

To become so excited or emotional that you lose restraint or perspective.

Often used as a light warning when enthusiasm is making someone go too far.

FA

آن قدر هیجان زده یا احساسی شدن که اعتدال یا دید درست را از دست بدهیم.
اغلب به صورت هشدار دستانه به کار می رود وقتی شور و شوق کسی را بیش از حد پیش می برد.

Let us not get carried away.

بیایید جوگیر نشویم.

I got carried away and bought more than I needed.

جوگیر شدم و بیشتر از نیازم خرید کردم.

